

پرویز ثابتی

سکینه کریمی

پرویز ثابتی فرزند حسین در سال 1315 در سنگسر از توابع سمنان در محله ای به نام تپه سر در یک خانواده بهائی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان حسینیه و شاه پسند سنگسر از سال 1322 تا 1328 و دوران دبیرستان را در فیروز بهرام تهران از 1328 تا 1334 گذراند، همچنین در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از 1334 تا 1337 تحصیل کرد. در خرداد ماه 1337 موفق به اخذ لیسانس در رشته قضایی از دانشکده حقوق شد. در بهمن ماه 1337 با معرفی ضرابی (مدیرکل نهم ساواک) به استخدام ساواک درآمد. وی با جاه طلبی و سرسپردگی متظاهرانه خیلی زود در تشکیلات ساواک ترقی کرد. ابتدا با حمایت فردوست، قائم مقام ساواک؛ و ناصر مقدم، مدیرکل اداره سوم در سال 1345 رئیس اداره یکم اداره کل سوم شد. 1 در همین سال ناگهان به اعتبار یک برنامه تلویزیونی به شخصیتی سرشناس بدل شد و به تدریج ابعاد قدرتش فزونی گرفت. به راحتی می توان ادعا کرد تا سال 1349 که وی معاون اداره کل سوم ساواک شد، سایه اقتدارش بر همه عرصه های زندگی ایرانیان سنگینی می کرد. مخالفان رژیم او را خصم اصلی خود می دانستند. در عین حال، احراز همه مشاغل مهم از پست وزارت گرفته تا استادی دانشگاه و معلمی و حتی کارمندی دولت، در گرو دریافت اجازه اداره ای بود که ریاستش را او برعهده داشت. 2

ثابتی از جمله کسانی بود که در رأس یک گروه از مأموران ساواک به اسرائیل اعزام شد و به احتمال قوی در همان مأموریت به استخدام موساد درآمد. او که در اوایل دهه 1350 به عنوان «سخنگوی ساواک» و «مقام امنیتی» شهرت یافت، گرداننده اصلی سازمان ساواک به شمار می آمد و با ارتباطاتی که با «موساد» و عوامل این سازمان در ایران داشت حتی در امور مربوط به نمایندگیهای ساواک در خارج از کشور نیز، که خارج از حدود اختیارات او بود مداخله می کرد. اطلاعات وی به ویژه در مورد فعالیت گروههای مبارز خارج از کشور، ساواک را در مبارزه با کنفدراسیون و سایر گروههای مخالف رژیم یاری داد.

وی که دوره جنگها و عملیات ضد پارتیزانی و ضد چریکی دیده بود، با تجهیزات و امکانات گسترده، گروهی را که در اسرائیل و دیکتاتوریهایی نظامی آمریکایی لاتین دوره دیده بودند برای مبارزه با سياهکل به محاصره جنگل فرستاد. 3

در سال 1352 توسط ارتشبد نصیری، رئیس ساواک، به سمت مدیرکل اداره سوم تعیین و عملاً همه کاره ساواک شد.

پرویز ثابتی (با نام رمز بامداد) در تمام عملیات پر سر و صدای ساواک در سالهای 1352 تا 1356 نقش اصلی را برعهده داشت و شبکه ساواک در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و حتی بخش خصوصی زیر نظر مستقیم او عمل می کردند و کار امنیت داخلی یکسره در دست وی بود که ریاست اداره سوم ساواک را برعهده داشت.

گزارشهایی که از طریق نصیری به شاه داده می شد، عمدتاً از طرف ثابتی و دارودسته او تنظیم می گردید. ثابتی در انتصاب مقامات دولتی و انتخاب نمایندگان مجلس نقش اساسی داشت و گزارش منفی ساواک در باره هر کس که نامزد احراز یک مقام دولتی یا نمایندگی مجلس می شد برای جلوگیری از انتصاب یا انتخاب وی کافی بود. حتی فعالیتهای اعضای خاندان سلطنت هم از این گونه نظارت و گزارشها مصون نبودند، گاه حتی گزارشهای ثابتی در مورد فعالیتهای غیرقانونی اعضای خاندان سلطنت خشم شاه را برمی انگیخت. منابع اطلاعاتی او علاوه بر مأمورین ساواک و هزاران «منبع خبری» که در تمام سازمانهای دولتی و بخش خصوص داشت، عوامل جاسوسی اسرائیل (موساد) در ایران و افرادی از قبیل منوچهر آزمون، داریوش و هدایت الله اسلامی نیا بودند که مستقیماً با او تماس داشتند و اخبار و اطلاعات دست اولی را از دستگاههای دولتی و بخش خصوصی و بازار و محافل روحانی در اختیار او می گذاشتند. 4

ثابتی از زمره دوستان نزدیک هویدا بود و در ملاقاتهایی که هر چهارشنبه شب با وی داشت اطلاعاتی را در اختیار وی قرار می داد که بی گمان یکی از ابزار تثبیت و تداوم قدرت هویدا بود. در هر ارزیابی از موقعیت هویدا نام وی به میان می آید زیرا در تمام دوران زندگی روابط نزدیک با همکیش خود داشته است.

او طرفدار سیاست سرکوب تظاهرات بود و همواره تأکید داشت که دولت باید با قاطعیت تمام تظاهرات را سرکوب کند. و از طرفی مایل بود دست مخالفان وفادار به رژیم را باز بگذارد که از نظام حاکم، و حتی از اعضای خاندان سلطنت انتقاد کنند. در اواسط بهار 1357 از طریق هویدا پیامی مبنی بر اینکه چنانچه عنان کار را دست کم برای مدتی کوتاه به ساواک بسپارد و بگذارد آنها تدابیر لازم را برای سرکوب قیام مردم و آرام کردن کشور اتخاذ کنند، برای شاه فرستاد و شاه از وی خواست که طرح عملیات مورد نظرش را مشخص می کند، وی هم به سرعت سپاه ای از 1500 تن از مخالفان عمده رژیم را فراهم آورد و معتقد بود بازداشت آنها آرامش را به شهرها باز خواهد گرداند، که در نهایت شاه با بازداشت سیصد نفر از آنها موافقت کرد. 5

پرویز ثابتی، رئیس امنیت داخلی ساواک، بنا به خصوصیات شغلی اش صاحب چندین پاسپورت به اسامی مختلف بود. در اواخر حکومت از هاری، ده روز قبل از انقلاب اسلامی به ژنو گریخت و از آنجا به اتفاق همسرش به اسرائیل رفت. او که به "شکنجه گر مخوف ساواک" شهرت داشت در شهر سانفرانسیسکو در خانه ای مجلل مسکن گزید و تنها وابسته رژیم سابق بود که یک ماه پیش از فرار خود، خانه اش را به سفیر یکی از کشورهای عربی فروخت. 6

-
1. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 450-451، بهرام افراسیابی، وقتی پرده ها بالا می روند، ص 341-342.
 2. عباس میلانی، معمایی هویدا، ص 208.
 3. مسعود بهنود، از سید ضیاء تا بختیار، ص 555.
 4. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی: از فروغی تا فردوست، ج 2، ص 992-997، 1001.
 5. عباس میلانی، ص 390.
 6. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک: چریکهای فدایی خلق، ج 8، ص 309.